

## معیارهای تعریف جهان اسلام

علی اصغر رجاء\*

### چکیده

تعریف «جهان اسلام» بر اساس شاخص‌های جمعیتی و یا بودن ساختار قدرت در دست مسلمانان، نظر به سابقه تاریخی بسط و قبض جغرافیایی قلمرو اسلامی، شرایط متغیر سیاسی - اجتماعی حاضر و نیز وجود اقلیت‌های رو به تزاید، جامع و مانع نیست. در این نوشتار، سعی بر آن است تا از طریق بررسی تاریخی جغرافیایی قلمرو حاکمیت مسلمانان و ترسیم موقعیت کنونی، شاخص جدیدی برای تعریف «جهان اسلام» به دست آید. بازتاب جهانی پیروزی انقلاب اسلامی ایران و شکست ابرقدرت شوروی در افغانستان، موج جدیدی از اسلام‌گرایی در میان مسلمانان جهان پدید آورد که در شرایط کنونی از طریق تبیینی از این جریان می‌توان به تعریفی پویا از «جهان اسلام» دست یافت.

کلیدواژه‌ها: جهان اسلام، تعریف، موقعیت، تاریخ معاصر، اسلام‌گرایی.

## مقدمه

اشاره کرده‌اند.<sup>(۳)</sup> برخی هم که معیاری فرهنگی مطرح کرده‌اند، قابلیت تطبیق و تعمیم ندارد.<sup>(۴)</sup>

اگر جهان اسلام به عنوان یک مجموعه همگن فرهنگی، سیاسی و اقتصادی ظرفیت بروز داشته باشد، پیش از همه باید تا جایی که امکان دارد با تکیه بر آرمان‌های مشترک، به تصویری مفهومی از آن در حد و رسم وقوعی دست یافت تا هم از دامنه و شدت چالش‌ها کاسته شود و هم زمینه‌ای برای تحقق آن به گونه‌ی عینی به وجود آید. از این رو، نظر به شرایط متغیر سیاسی - اجتماعی حاضر و تقابل فرهنگی اسلام، با توجه به رویکردهای مختلف در این مورد، لازم است این مفهوم پرکاربرد، تا حد امکان در عصر جهانی شدن با گستره فرازمانی و فرامکانی نمایان شود.

سؤال اصلی نوشتار حاضر عبارت است از: چگونه می‌توان به یک تعریف پویا و در عین حال جامع و مانع از مفهوم کاربرد جهان اسلام دست یافت؟

بر این اساس، سؤال از چگونگی تغییر قلمرو تاریخی - جغرافیایی جهان اسلام، شاخص‌های موجود و چگونگی نقد آنها و سؤال از چگونگی لحاظ شاخص‌های جدید مانند گروه و مهاجرت در تعریف اسلام، سؤالات فرعی را تشکیل می‌دهند.

برای دست‌یابی به یک تعریف از جهان اسلام، ابتدا با مروری تاریخی بر وضعیت شکل‌گیری جغرافیای جهان اسلام تا تاریخ معاصر، دورنمایی از روابط جهان اسلام و غرب ترسیم می‌گردد. سپس به ادوار تاریخی جهان اسلام و شاخص‌های دوران معاصر و نیز موقعیت کنونی جهان اسلام اشاره خواهد شد، آن‌گاه سعی می‌شود با توجه به شاخص‌های تاریخ معاصر و رشد و گسترش اسلام‌گرایی سیاسی، برای تعریف جهان اسلام معیاری کشف گردد.

جهان اسلام یک مفهوم بسیار کاربردی است که یک‌پارچگی آن را مصلحان مسلمان بسیاری در تاریخ معاصر آرزو داشته‌اند و هدف اصلی جنبش‌های سیاسی اجتماعی بوده که در میان مسلمانان به وقوع پیوسته است. تحقق این آرمان دیرین، از یک سو از نظر قبض و بسط قلمرو تاریخی با توجه به جریان‌های همچون دولت - ملت، مذهب و یا خرده‌فرهنگ‌ها، از سوی دیگر به سبب ویژگی پویایی، جهان‌شمولی و تبلیغ و نیز دربر گرفتن اقلیت‌ها و مهاجرت، در صورت دست‌یابی بدان به ویژه در تاریخ معاصر با چالش‌های سیاسی - اعتقادی بی‌شماری مواجه بوده است.

علی‌رغم کاربردی بودن مفهوم جهان اسلام، پیشینه بحث تعریف یا تعاریف جهان اسلام در برخی منابع به مناسبت و گذرا وجود دارد، اما هیچ‌کدام از این منابع به طور مشخص و تحت این عنوان با معیارها و شاخص‌های منطقی نخواستند تعریفی از آن ارائه دهند. حتی در مدخل‌های اختصاصی این مفهوم در *دانشنامه جهان اسلام* که از جوانب مختلف به موضوع پرداخته، تعریف جهان اسلام ارائه نشده است. شاخص‌هایی که در کتاب‌های *کشورهای اسلامی و حقوق بشر*، *جغرافیای کشورهای اسلامی* و *مجموعه مقالات سمینار بین‌المللی مسائل جغرافیایی جهان اسلام* به چشم می‌خورد، جامع نیستند و نقد آن شاخص‌ها در این پژوهش ارائه شده است. علاوه بر این شاخص‌های جدید گروه و مهاجرت در این تعاریف لحاظ نشده است.

کوشش‌هایی که تاکنون برای تعریف این مفهوم کاربردی صورت گرفته عمدتاً بر اساس شاخص درصد جمعیت<sup>(۱)</sup> و عضویت در سازمان کنفرانس اسلامی بوده است.<sup>(۲)</sup> برخی نیز به تاریخ پیدایش کاربرد این مفهوم

## قلمرو جغرافیایی - تاریخی اسلام

قلمرو اسلام پس از ظهور آن، شاهد تغییرات بسیاری بوده تا به شکل کنونی درآمده است. در عصر فتوحات، تا قرن سوم هجری، قلمرو اسلام شامل شبه جزیره عرب، عراق، شامات، آذربایجان، فارس، خراسان، سند، ماوراءالنهر، ملتان، مناطق مرکزی هند و سرزمین‌های میانه اینها؛ همچنین مصر، افریقیه (شمال قاره آفریقا) و مغرب و اندلس (شبه جزیره ایبری) می‌شد. (۵) بخش زیادی از این قلمرو در حاکمیت عباسیان و با مرکزیت بغداد قرار داشت. به تدریج در قرن‌های بعدی، تا پایان قرون وسطا، اندلس در اروپا تحت حاکمیت مسیحیان اروپایی درآمد و مسلمانان از آنجا اخراج شدند؛ (۶) اما همزمان قلمرو امپراتوری بیزانس تحت حاکمیت اسلامی قرار گرفت. از جانب شرق هم قلمرو اسلامی به واسطه فتوحات، روابط تجاری، سیاحت و مهاجرت علما و صوفیان مسلمان در حال گسترش بود، به گونه‌ای که ساکنان تمام شبه‌قاره هند، بخشی از آسیای جنوب شرقی، جزایر فیلیپین و ترکستان چین هم مسلمان شدند و اقلیت‌هایی از مسلمانان در ژاپن و سایر مناطق هندوچین به وجود آمدند.

پس از سقوط بغداد توسط مغولان در قرن هفتم هجری و سپس جهان‌گشایی تیمور، قلمرو وسیع مسلمانان در قرن ۹ و ۱۰ (۱۵ و ۱۶م) به چندین بخش تقسیم شد. این بخش‌ها عمدتاً شامل چهار قلمرو وسیع می‌شدند که عبارت بودند از: قلمرو امپراتوری عثمانی در آسیای صغیر، بالکان، شام، عراق و شمال آفریقا؛ قلمرو حکومت شیعیان در قسمتی از ماوراءالنهر - که اکنون به آسیای مرکزی و آسیای میانه شهرت دارد؛ قلمرو امپراتوری گورکانیان (مغولان کبیر، بابرین) در هند و سند و نیز قلمرو حکومت صفویان با گرایش شیعی در سرزمین‌های مابین قلمرو دو امپراتوری عثمانی در غرب

و گورکانیان در شرق و سرزمین‌های حواشی دریای خزر در شمال و خلیج فارس در جنوب.

از نظر دوام، امپراتوری عثمانی، از قرن هفتم هجری و پس از سقوط بغداد تا تاریخ معاصر دوام یافت؛ اما شیعیان بین قرن ۹ تا ۱۱ق، (۷) دولت صفویه از ابتدای سده دهم تا قرن ۱۲ق، و گورکانیان هند از قرن دهم تا سیزدهم (۸) دوام یافتند.

روابط صفویان از ابتدای تشکیل حکومت، با امپراتوری عثمانی خصمانه بود. در اثر رقابت میان حکومت شیعیان، صفویان و بابرین در منطقه خراسان - که افغانستان کنونی بخش اعظم آن است هر یک پاره‌ای از مناطق آن را در تصرف داشتند. (۹) بابرین و عثمانی که هر دو سنی بودند، هرچند به دلیل قرابت مذهبی امکان تشکیل یک اتحاد سرزمینی یا سیاسی داشتند، ولی به دلیل حایل بودن حکومت شیعه صفوی، با یکدیگر فقط به تبادل سفیر و احیاناً اطلاع از برخی رویدادهای داخلی و خارجی همدیگر پسندیده بودند. (۱۰)

با سقوط حکومت شیعیان در قرن ۱۲ق، حکومت‌های ملوک الطوائفی خانان در آسیای مرکزی به وجود آمد، در حالی که پس از رنسانس در اروپا (سده پانزدهم میلادی) اکتشافات جغرافیایی شروع شد و قدرت‌های استعماری در آن شکل گرفت. قلمرو امپراتوری روسیه هم در رقابت با عثمانی رو به گسترش بود. در قرن ۱۸ و ۱۹م اروپاییان و روسیه پس از انقلاب صنعتی و به کارگیری نیروی بخار و سلاح‌های آتشین، شروع به تصرف استعماری سرزمین‌های شرقی به ویژه بلاد مسلمانان کردند. در عهد سلطنت قاجار در ایران، آرام آرام، خانان آسیای مرکزی و قفقاز، برای رسیدن به آب‌های آزاد و دستیابی به هند، به تصرف امپراتوری تزارهای روسیه درآمد. پس از کودتای کمونیستی در

و در سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش به استقلال رسید.<sup>(۱۵)</sup> در نتیجه رقابت‌های استعماری در طول قرن نوزدهم میلادی، شبه‌قاره هند به طور یکپارچه تحت استعمار انگلیس درآمد، امپراتوری گورکانیان هم از میان رفت. پس از جنگ جهانی دوم، شبه‌قاره هند به سه کشور مستقل پاکستان، هندوستان و بنگلادش تقسیم شد و منطقه کشمیر مورد منازعه هند و پاکستان باقی ماند.<sup>(۱۶)</sup> کشورهای مسلمان آسیای جنوب شرقی هم از قرن دوم و سوم هجری به تدریج با تبلیغ عالمان، تاجران، سیاحان و صوفیان مسلمان به دامن اسلام پیوستند و دارای حکومت‌های مستقل شدند، اما در سده شانزدهم میلادی استعمار به آنها وارد شد. این کشورها به تدریج در سده بیستم که به استقلال رسیدند، اسلام در آنها گسترش بیشتری پیدا کرده است. برخی کشورهای آفریقایی نیز به تدریج در اثر روابط تجاری سیاسی با بلاد اسلامی در شمال آفریقا، همزمان با ورود استعمار به این قاره، به جهان اسلام پیوسته‌اند. به این ترتیب، قلمرو جغرافیایی جهان اسلام در اثر عوامل داخلی و خارجی همواره دچار قبض و بسط بوده است؛ اما جغرافیای کنونی جهان اسلام اکثراً پس از تجزیه امپراتوری‌های عثمانی، بابرین هند، حکومت نادر افشار و نیز تجزیه شوروی و یوگسلاوی سابق شکل گرفته‌اند. در برخی مناطق جنوب شرق آسیا نیز حکومت‌های مستقلی از مسلمانان وجود داشته که پس از دوران استعمار به شکل کنونی درآمده است.

#### دورنمایی از روابط جهان اسلام و غرب

روابط دنیای اسلام با جهان غرب تا قرن ۱۷م به دلیل اقتدار سیاسی - نظامی قدرت‌های مسلمان و ضعف سیاسی - اجتماعی اروپاییان، از موضع اقتدار و رقابت‌آمیز

قلمرو تزار، در سال ۱۹۱۷م شوروی سابق به وجود آمد و به مدت ۷۰ سال این مناطق از پیکر جهان اسلام جدا بودند. هنگامی که اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۲م / ۱۳۷۱ش فرو پاشید، پنج جمهوری مسلمان در آسیای میانه به وجود آمدند.

پس از فروپاشی حکومت صفویه در سده دوازدهم هجری، نادر افشار بر قلمرو آن استیلا یافت و در جنوب شرقی، تمام خراسان بزرگ تا دهلی، در غرب دریای خزر، قفقاز و همچنین سرزمین‌هایی را از عثمانی فراچنگ آورد. با مرگ نادر، یکی از سردارانش در بخشی از قلمرو او در خراسان بزرگ، حکومت مستقلی را به وجود آورد که بعدها افغانستان نامیده شد.<sup>(۱۱)</sup> در باقی قلمرو صفویه تا برپایی حکومت یکپارچه قاجار و پدیدار شدن ایران کنونی، چند حکومت سربر آوردند.<sup>(۱۲)</sup>

در آغاز قرن بیستم میلادی، در اروپا قدرت‌های استعماری به شکل دولت - ملت و بر پایه تجارت صنعتی به ثبات رسیدند و منازعات خود را، جز در حوزه بالکان، حل و فصل نمودند. تا این زمان در قلمرو عثمانی تحولات بسیاری رخ داد. ناسیونالیسم عربی با دخالت‌های استعماری، قلمرو عثمانی را به شدت کاهش داد و به حد ترکیه امروزی رساند و کشورهای عربی هم یک به یک از پیکر آن جدا شدند. این روند تا جنگ جهانی دوم کامل شد. یهودیان هم به مدد استعمار در داخل کشور فلسطین کشور خودخوانده اسرائیل را تشکیل دادند. در بالکان، کشور «آلبانی» در سال ۱۹۱۲م به وجود آمد که اکثریت جمعیت آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند.<sup>(۱۳)</sup> کشور «بوسنی» در بالکان هم پس از فروپاشی یوگسلاوی سابق، به جهان اسلام پیوست.<sup>(۱۴)</sup> کشور «آذربایجان» هم که در سال ۱۹۱۸م به کمک ارتش عثمانی به مرکزیت گنجه پدید آمد، در سال ۱۹۲۰م توسط ارتش سرخ شوروی اشغال شد

در پی طرح نقشه جدایی سیاست از دین و گرایش حاکمان جدید کشورهای اسلامی به نظام سیاسی - حقوقی غرب، دولت و قانون در این کشورها، از شریعت تفکیک و دولت‌های ملی و نظام سیاسی حقوقی غرب با تفکر ملیت‌گرایی جایگزین شریعت و تفکر دینی شد. این جایگزینی باعث تثبیت و تحکیم سلطه همه‌جانبه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی غرب بر کشورهای اسلامی و عامل جدایی جهان اسلام اعمال گردید.

مصطفی کمال نیز که به اصطلاح «پدر ترک» لقب گرفته بود، مرحله تخریب آخرین آثار سیاسی دنیای اسلام را با الغای رسمی خلافت در سال ۱۹۲۴م کامل کرد. این عمل ترکیه بازتاب سیاسی فوق‌العاده‌ای داشت. مسلمانان به سادگی از آن نگذشتند. در ماه مه سال ۱۹۲۶م در شهر قاهره، همایشی در این باره تشکیل شد و قطعنامه‌ای هم مبنی بر اینکه خلافت در اسلام امری ضروری است، صادر گردید، ولی همایش نتوانست به این حقیقت ترتیب اثری بدهد. دو همایش اسلامی دیگر در مکه (۱۹۲۶م) و بیت‌المقدس (۱۹۳۱م) تشکیل شد، اما چندان نتیجه‌ای نداشتند. همه این تلاش‌ها از این واقعیت حکایت می‌کردند که مسئله خلافت فراموش شده تلقی نمی‌گردد.<sup>(۱۸)</sup>

علی‌رغم گرد هم آمدن کشورهای اسلامی در قالب تشکیل کنفرانس اسلامی، به تدریج پس از جنگ جهانی دوم، تأثیر عمیق نظام سیاسی - حقوقی غرب بر نظام کشورهای اسلامی امید تجلی دوباره حاکمیت اسلام را بیش از گذشته در هاله‌ای از ابهام و ناامیدی فرو برد، معیار و مناسبات در روابط بین‌المللی براساس تفکر غربی شکل گرفت و تمایز جهان اسلام با غیر آن به تدریج از بین رفت.<sup>(۱۹)</sup> در کنار این حرکت غربگرا، جنبش‌هایی در قرن نوزدهم تحت عنوان «پان‌اسلامیسم» با تشکیل کنگره‌های

صورت می‌گرفت و معمولاً با کینه‌ها و انتقام‌جویی‌ها و برد و باخت‌های متقابل همراه بود. مسلمانان حالت تهاجمی نسبت به غرب داشتند و غربیان و اروپاییان در موضع دفاعی بودند. از قرن ۱۷م به بعد، این جریان کاملاً بعکس شد. عثمانی‌ها که پس از ناکامی در تسخیر «وین» و توقف پیش‌روی در اروپا (۱۶۸۳م/۱۰۹۴ق) در موضع ضعف و دفاعی قرار گرفتند، غرب تهاجم گسترده خود را به جهان اسلام آغاز کرد.

عوامل بیرونی و درونی باعث شدند که جهان اسلام از همان قرن ۱۶م/۱۱ق پس از یک دوره ترقی و پیشرفت از نظر فرهنگی، علمی، اقتصادی و اجتماعی، دچار انحطاط شود. تعالیم اسلامی با خرافات و بدعت‌های گوناگونی درآمیختند؛ تفکر دینی، سیاست و حکومت و اقتصاد اسلامی به عینیت نرسیدند؛ خیزش و شتاب اولیه‌ای که پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام به تاریخ مسلمانان بخشیده بودند، از سوی حکام بعدی در جهت سرپوش گذاشتن بر خطاها و انحرافات شخصی خویش مورد استفاده قرار گرفت. در نهایت، خطا و انحرافی که از طریق ملوکیت آغاز گردیده بود، رو به فزونی گذارد و ناگزیر جامعه مسلمانان را به سوی انحطاط اخلاقی - سیاسی، نظامی سوق داد.

از اواخر سده هجدهم میلادی طی یک دوره تقریباً صد ساله تمامی جهان اسلام زیر نفوذ اروپاییان درآمد بود و آنان سلطه و نفوذ خود را پس از شکست و انحلال امپراتوری عثمانی در سال ۱۹۱۹م بر قلب سرزمین اسلام در جهان عرب تا تقسیم و تبدیل آن به حکومت‌های وابسته به غرب تثبیت کردند. تعرضات دولت‌های غربی به کشورهای اسلامی در این دوره برای مسلمانان ایجاد زحمت و مصیبت کرد و اروپاییان تحصیل منافع آنی را بر اینکه طبق مساوات و مصالح متقابل با مسلمانان رفتار کنند، ترجیح دادند.<sup>(۱۷)</sup>

اسلامی برای تأمین وحدت جهان اسلام و احیای مجدد اصول اسلامی در زمینه روابط بین‌الملل جهان اسلام با غرب به وجود آمدند.<sup>(۲۰)</sup> از جمله این جنبش‌ها می‌توان به حرکت‌های جدیدی اشاره کرد که برای اتحاد کشورهای مسلمان و احیای امپراتوری اسلامی، به شکلی که در صدر اسلام عملی می‌شد، صورت گرفتند.<sup>(۲۱)</sup> همه این حرکت‌های پیشرو به دلیل ضعف‌های نظری و شیوه‌های عملی که داشتند، به بار ننشستند و در شبکه ساختارها، روابط و مناسبات قدرت حاکم، به شدت سرکوب شدند.

اما اندیشه حاکمیت نظام سیاسی - حقوقی اسلام در ممالک اسلامی و در عرصه بین‌المللی، خواب خوش و امید ناپایداری بیش نبود. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تأثیر جهانی آن، یک بار دیگر بارقه امید بر دل‌های مسلمانان طرفدار حاکمیت اسلام جوانه زد.<sup>(۲۲)</sup>

### ادوار تاریخی جهان اسلام و شاخص‌های دوران معاصر

قلمرو جهان اسلام از نظر گسترش و سپس تغییرات حدود و مرزهای آن، که به موضوع پژوهش حاضر ارتباط دارد، دارای ادوار مختلفی بوده است. گسترش این قلمرو ابتدا به بیان و شمشیر اعراب و سرکردگی آنان صورت گرفت که این دوره به «عصر فتوحات» شهرت دارد. آغاز این دوره زمانی است که اعراب پا از شبه جزیره عرب به بیرون نهادند. اولین جریان تجزیه درونی در قلمرو اسلامی، توسط معاویه فرزند ابوسفیان اتفاق افتاد. او پس از صلح امام حسن علیه السلام توانست حاکمیت خود را بر تمام قلمرو اسلامی تثبیت کند و خاندانش، حاکمیت متمرکز امویان را به وجود آوردند. پس از سال ۱۳۲ق خاندان اموی به اندلس رفتند و قلمرو اسلام به دو بخش تقسیم

شد. استیلاي ترکان در عصر دوم عباسی و به وجود آمدن منصب امیرالامرای باعث شد که دوره جدیدی در تاریخ اسلامی و جهان اسلام پدید آید. در این دوره اندک اندک حکومت‌های متقارن و متداخل به صورت نیمه‌مستقل و مستقل در قلمرو عباسیان سر برآوردند. همچنین حکومت‌های اسلامی دیگری جایگزین امویان در اندلس شدند و جهان اسلام تمرکز قدرت خود را از دست داد. شاخصه این دوران آن است که فتوحات نظامی و گسترش قلمرو اسلام به ویژه در بُعد تبلیغی، توسط غیرعرب هم تداوم پیدامی‌کند؛ اما همچنان جریان تجزیه، درونی است و عامل خارجی در آن نقشی ندارد.<sup>(۲۳)</sup>

حکومت‌های اسلامی بر اثر اختلافات سیاسی و فرهنگی، بسیاری از اوقات با یکدیگر درگیر می‌شدند و برخی از آنها بر قلمرو دیگری مسلط شده و حکومت‌های وسیع‌تری به وجود می‌آوردند. جریان تجزیه در قلمرو اسلامی جدای از جریان گسترش آن بود؛ به گونه‌ای که حتی برخی از حکومت‌ها و خاندان‌های حکومتگر باعث افزایش قلمرو جهان اسلام شده، فتوحاتی را انجام می‌دادند. در قلمرو برخی هم بقایایی از حکومت‌های پیشین وجود داشت. تا هنگامی که اقتدار سیاسی، نظامی و فرهنگی این حکومت‌ها پا بر جا بود، حکومت آنان هم پا بر جامی ماند.

به این ترتیب، تازمانی که بیگانه در درگیری‌های منجر به تجزیه جهان اسلام دخالتی نداشت، جابه‌جایی حکومت‌های اسلامی و نوسان در قلمرو آنها موجب نقصان و ضرر کلی به جهان اسلام نمی‌شد، هرچند شکوه و عظمت دوران حکومت‌های متمرکز دیگر قابل بازگشت نبود و زیان‌هایی به صورت جزئی و مقطعی به مسلمانان وارد می‌آمد.

در تاریخ اسلام، پس از قرن ششم هجری، شکل

قدرت در این دوره، اما به وسیله غیرمسلمان مشاهده می‌شود. عاقبت آنان در جبهه فرهنگی مغلوب مسلمانان شدند و برخی از اخلاف ایلخانان مغول اسلام آوردند. جهان اسلام پس از این دوره شاهد انحطاط علمی - فرهنگی است؛ ولی از منزلت سیاسی برخوردار بود.

پس از دوران مغولان، بزرگ‌ترین تحولی که در عرصه داخلی جهان اسلام به وقوع پیوست، ظهور تمرکز قدرت در سه قلمرو عثمانی، صفویه و مغولان (بابریان) هند بود. شاخصه دیگر این عصر، کاهش و توقف گسترش اسلام از طرق لشکرکشی است. اما شاخصه مهمی که پس از ظهور تمرکز قدرت در جهان اسلام پدیدار شد، شروع عصر دوم انحطاط عالم اسلام بود که تقریباً از آغاز سده دوازدهم ق/ هجدهم م. شروع می‌شود و به میانه سده سیزدهم ق/ نوزدهم م. می‌رسد. به استثنای اندونزی که در آنجا انحطاط زودتر آغاز شد،<sup>(۳۰)</sup> کلیه کشورهای اسلامی اندکی پس از بیداری اروپا از خواب طولانی نه تنها شاهد انحطاطی هولناک در منزلت سیاسی خود بودند، بلکه حیات فکری و فرهنگی آنها نیز دستخوش انحطاط شده بود. به هنگامی که عثمانی‌ها پس از سلطان سلیمان قانونی، و صفویان پس از شاه عباس بزرگ و مغولان هند پس از اورنگ زیب، شکوه و عظمت خود را از دست دادند، ملت‌های اروپایی رفته رفته نیرو گرفتند، هر روز سرزمین‌ها و مراکز بازرگانی تازه‌ای را از کف پادشاهان مسلمان بیرون کردند، آنها را در دریا و خشکی شکست دادند و سرانجام امپراتوری‌های مسلمان را گرفتار دردهای بی‌درمان کردند.<sup>(۳۱)</sup> دوران معاصر پس از این آغاز می‌شود که شاخصه مهم آن، از میان رفتن تمرکز قدرت در جهان اسلام، سرازیر شدن الگوهای سیاسی - اجتماعی زندگی از اروپا و غرب به سوی جهان اسلام، و پدید آمدن گونه جدیدی از تجزیه سرزمینی به شکل

جدیدی از جریان تجزیه و تفکیک قلمرو حکومت‌های اسلامی، با دخالت بیگانه به وجود آمد. نمونه‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد با کشیده شدن پای بیگانه در درگیری‌های مسلمانان، ضررهای هنگفتی بر آنان وارد شده است. در اینجا به برخی از این موارد اشاره می‌شود: یکی از دلایل تصرف سرزمین اسلامی اندلس توسط مسیحیان، در کنار تفرقه آنان و عدم کمک دولت‌ها و امیران مسلمان دیگر، کمک گرفتن مسلمانان اندلس از مسیحیان بود.<sup>(۲۴)</sup> مسیحیان با نفوذ در تشکیلات مسلمانان و خیانت به آنان و نیز درخواست مناطقی در قبال کمک خود به طرف‌های درگیر مسلمان که برای بقای خود یکدیگر را نابود می‌کردند، در نهایت باعث براندازی و اخراج مسلمانان از اندلس شدند<sup>(۲۵)</sup> و این منطقه دیگر به دامن اسلام بازنگشت.<sup>(۲۶)</sup>

پیروزی مسیحیان در جنگ‌های صلیبی و به وجود آمدن حکومت‌های مسیحی در طول خط ساحلی دریای مدیترانه به مدت ۹۱ سال، علاوه بر عوامل داخلی اروپا، به خاطر تفرقه و خیانت حاکمان مسلمان در همکاری با مسیحیان، فقر و وحشت مردم، غارت‌گری صلیبیان، دشمنی اسماعیلیان با امرای مسلمان و در بعضی موارد، ضعف نظامی مسلمانان بوده است. در این مورد، عاقبت در اثر نبوغ نظامی عمادالدین زنگی، اولین حکومت مسیحی در «رها» از بین رفت.<sup>(۲۷)</sup> همچنین بر اثر اتحاد قلمرو در منطقه مصر و شام و جزیره به وسیله صلاح‌الدین ایوبی و تمرکز قدرت، بیت‌المقدس از دست مسیحیان آزاد و بقایای حکومت‌های مسیحی هم توسط ممالیک بحری پس از تثبیت قدرت و کسب مشروعیت از طریق استقرار خلافت در مصر، نابود شد.<sup>(۲۸)</sup>

در حمله مغولان هم ضعف نظامی و نزاع‌های فرقه‌ای، باعث پیروزی مغولان شد.<sup>(۲۹)</sup> بازگشت به تمرکز

کشورهای جهان اسلام بیش از ۲۶ میلیون کیلومتر مربع مساحت دارند.<sup>(۳۴)</sup>

جهان اسلام را به لحاظ موقعیت قاره‌ای، ناحیه‌ای و جغرافیایی به مناطق دیگری تقسیم می‌کنند. از یک دیدگاه، مجموعه ۵۱ کشور اسلامی که به طور رسمی عضو سازمان کنفرانس اسلامی هستند به سه گروه کشورهای آسیایی، با ۶/۳ میلیون مربع، کشورهای آفریقایی با ۵/۷ میلیون کیلومتر مربع و گروه کشورهای عربی با ۱۴ میلیون کیلومتر مربع تقسیم می‌شوند. در این میان، سه کشور سودان، الجزایر، عربستان سعودی ۲۷ درصد کل مساحت جهان اسلام را دربر می‌گیرند، در صورتی که کشورهای کوچک‌تر، یعنی مالدیو و بحرین، روی هم حتی به هزار کیلومتر هم نمی‌رسند. وسیع‌ترین کشور اسلامی یعنی سودان که در صحرای آفریقا قرار گرفته و ۲۵۰۳۸۹۰ کیلومتر مربع وسعت دارد ۸۴۰۰ برابر کوچک‌ترین کشور جهان اسلام است که به صورت مجمع‌الجزایری در جنوب غربی هندوستان و غرب سریلانکا قرار گرفته است.<sup>(۳۵)</sup>

کشورهای اسلامی که در مجموع یک پنجم وسعت جهان مسکون را تشکیل می‌دهند نزدیک به چهار برابر وسعت قاره اقیانوسیه و در حدود ۳ برابر قاره اروپا و مقداری کمتر از کل وسعت قاره آفریقا می‌باشند. البته اگر نواحی مسلمان‌نشین آسیای مرکزی، آسیای جنوبی، چین، اروپای شرقی و سایر نقاطی را که محل سکونت اقلیت‌های مسلمانان است به وسعت مزبور بیفزاییم، قلمرو جهان اسلامی مساحتی برابر کل وسعت قاره آفریقا خواهد داشت که خود به لحاظ سیاسی و استراتژیکی و از نقطه نظر ژئوپلیتیکی می‌تواند در حد بالایی حایز اهمیت باشد.

قاره آسیا در بین خشکی‌های بزرگ جهان ۶۵ درصد سکنه مسلمان را به خود اختصاص داده است. ۲۵ درصد

دولت - ملت تحت تأثیر مستقیم تحولات اروپاست.<sup>(۳۲)</sup> در سقوط و تجزیه امپراطوری عثمانی و در نتیجه از دست رفتن بخش‌هایی از قلمرو آن، قدرت‌های اروپایی نقش بسزایی داشتند. در سقوط و تجزیه امپراتوری مغولان هند و جدا شدن بخش مرکزی آن از قلمرو اسلام، دست استعمار مشهود است. در تاریخ معاصر، بیشترین ضرر و زیان ناشی از تجزیه را قلمرو عثمانی و بابرین هند دیده است. بحران پایدار<sup>(۳۳)</sup> کشمیر در قلمرو هند و بحران‌های فلسطین، قبرس و بالکان در قلمرو سابق عثمانی به وجود آمد. سرزمین‌های اروپایی عثمانی محدود به شهر استانبول شد و فلسطین هم به دست یهودیان افتاد. دیگر بحران‌های پایدار جهان اسلام نیز تحت تأثیر مستقیم استعمار قدیم و جدید به وجود آمد.

### موقعیت کنونی جغرافیایی جهان اسلام

سرزمین‌های اسلامی بین ۲۰ درجه غربی (از نصف‌النهار گرینویچ) و ۱۴۰ درجه طول شرقی و نیز بین ۱۰ درجه عرض جنوبی و ۵۰ درجه عرض شمالی از خط استوا قرار گرفته‌اند. غربی‌ترین کشور اسلامی در غرب آفریقا واقع است که سنگال نام دارد و شرقی‌ترین آن اندونزی می‌باشد که در آسیای جنوب شرقی قرار دارد. بین غربی‌ترین و شرقی‌ترین کشور مسلمان بیش از ۱۰ ساعت اختلاف زمان وجود دارد. ترکیه و آلبانی شمالی‌ترین و اندونزی جنوبی‌ترین کشور مسلمان و نیز تنها کشور اسلامی آسیاست که بخش اعظم آن در نیم‌کره جنوبی قرار دارد. کشورهای اندونزی، بحرین، مالزی، مالدیو و کومور در میان کشورهای اسلامی موقعیت مجمع‌الجزایری و جزیره‌ای دارند، ولی بعکس، کشورهایی نظیر افغانستان، بورکینافاسو، چاد و موریتانی در خشکی محصور بوده و به دریا راه ندارند. کل



که بالاتر از ۵۰ درصد مسلمان دارد به عضویت آن در نیامده است. در آماري که به سال ۱۹۸۶م انتشار یافته، ۵۲ کشور اسلامی معرفی شده که بیش از ۵۰ درصد مسلمان داشته‌اند.<sup>(۴۰)</sup>

### تبیین نظری ظهور و رشد اسلام‌گرایی سیاسی

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، و نیز فروپاشی شوروی که در آن، جهاد مجاهدین مسلمان افغانستان نقش شتاب‌دهنده داشت، و همچنین پیش آمدن حوادثی در ترکیه بر سر حجاب، در اواخر دهه هفتاد میلادی، موج جدیدی از اسلام‌گرایی در جهان اسلام شکل گرفت. گرایش به حجاب و رعایت دستورات شریعت از مهم‌ترین ویژگی این موج بود. حتی در مواردی مانند الجزایر و ترکیه، اسلام‌گرایان سعی کردند از طریق شرکت در انتخابات، وارد نظام سیاسی و به دست‌گیری قدرت شوند که دولت در برابر آن واکنش نشان داد.

محققان بسیاری اعم از مسلمان و غیرمسلمان سعی کرده‌اند برای ظهور اسلام‌گرایی سیاسی در اواخر دهه هفتاد میلادی و سپس اوج‌گیری این پدیده در دهه هشتاد میلادی در سطح جهان اسلام، نظریه‌ی جامعی ارائه دهند.<sup>(۴۱)</sup> از مجموع این نظریات می‌توان نتیجه گرفت که اسلام‌گرایی ابتدا واکنشی انفعالی در برابر پذیرش مطلق مدرنیسم بود.<sup>(۴۲)</sup> سپس به مدد عناصر نیرومند معرفتی خود، ضمن مقاومت فرهنگی در برابر سلطه غیر، اوج گرفت و در بعد سیاسی با به دست آوردن یک طرح جامع<sup>(۴۳)</sup> برای حکومت، از انفعال به در آمد و شروع به بازسازی هویت اسلامی در برابر غرب نمود. برای مثال، بازگشت به حجاب اسلامی به وسیله زنان و دختران در ترکیه و اروپا، بازگشت به هویت اسلامی است که به شدت در جریان مدرنیسم و حوادث کشف حجاب دچار چالش و بحران شده بود.

مسلمانان در کشورهای عربی و ۱۰ درصد در آفریقا زندگی می‌کنند. اندونزی، بنگلادش و پاکستان به تنهایی بیش از ۴۰ درصد سکنه جهان اسلام را تشکیل می‌دهند.<sup>(۳۶)</sup>

پیرجمعیت‌ترین کشور اسلامی اندونزی، و کم‌جمعیت‌ترین کشور مسلمان، مالدیو است. میانگین تراکم نسبی کشورهای اسلامی حدود ۱۰۳ نفر در کیلومتر مربع است که بیشترین آن با ۷۷۴ نفر در کیلومتر مربع مربوط به بنگلادش و کمترین آن به جمهوری عربی صحرای باختری اختصاص داد.<sup>(۳۷)</sup>

### اختلاف نظر در مورد تعداد کشورهای مستقل اسلامی

در مورد تعداد کشورهای مستقل اسلامی نظریات و عقاید متفاوتی مطرح می‌باشد. در کتابی تحت عنوان *Gazetter/World/Muslim* که در سال ۱۹۶۴ میلادی انتشار یافته ۳۶ کشور اسلامی که بیش از ۵۰ درصد جمعیتشان مسلمان بوده‌اند به به عنوان کشورهای مستقل اسلامی معرفی شده‌اند.<sup>(۳۸)</sup>

ابوالفضل عزتی طی مقاله‌ای تحت عنوان «شناخت اجمالی جهان اسلام» ۴۰ کشور را معرفی می‌کند که متجاوز از ۵۰ درصد مسلمان دارند. محمدحسن گنجی، کشورهایی را مسلمان می‌داند که بیش از ۷۵ درصد مسلمان داشته باشند و با این تعریف ۳۴ کشور اسلامی از مجموع کشورهای جهان تحت عنوان «سرزمین‌های اسلامی» مورد مطالعه قرار می‌گیرند.<sup>(۳۹)</sup>

برخی، کشورهایی را اسلامی می‌دانند که عضو «سازمان کنفرانس اسلامی» هستند. علی‌کتانی در کتاب *اقلیت‌های مسلمان در جهان امروز و غلامحسین خورشیدی* در کتاب *بازار مشترک اسلامی* چنین نظری دارند. در این تقسیم‌بندی، اوگاندا و گابن که کمتر از ۵۰ درصد مسلمان دارند، عضو این سازمان هستند، اما اتیوپی

### معیارهای تعریف جهان اسلام

جهان اسلام اگر به معیار در دست داشتن ساختار سیاسی قدرت، تعریف و گفته شود: کشورهایی در این دایره جای دارند که دولت مردان آنها مسلمان باشند؛ با توجه به لاییک بودن برخی نظام‌های حکومتی، ممکن است قوانین آن کشورها چنین مجوزی را ندهد و سیاست‌مداران به ظاهر مسلمان هم نسبت به ارزش‌های نمادین اسلام هیچ‌گونه پایداری از خود نشان ندهند.

از طرفی هم این گزینه سخت ناپایدار و قابل تغییر است؛ به ویژه در عصر حاضر که جابه‌جایی‌های قدرت، گاهی با کودتایی بسیار سریع صورت می‌گیرد و ممکن است در نتیجه این جابه‌جایی‌ها، دیگر سردمداران جدید یک کشور، مسلمان نباشند. از طرفی، این معیار که ضابطه عضویت کشورها در سازمان کنفرانس اسلامی نیز هست، سبب مسلمان تلقی شدن کشورهایی می‌شود که گاهی حتی تا ده درصد کل جمعیت آن هم مسلمان نیستند؛ کما اینکه اوگاندا زمانی که به عضویت سازمان کنفرانس اسلامی درآمد، یک اقلیت ۵ تا ۶ درصدی مسلمان داشت و تنها به دلیل آنکه روزگاری عیدی امین مسلمان بر آن حکومت می‌کرد، به عضویت این سازمان در آمده بود.<sup>(۴۴)</sup> کشور گابن هم فقط با داشتن یک اقلیت ۲۰ درصدی مسلمان عضو این سازمان است.

معیار دومی که به نظر می‌رسد بتوان با کمک آن جهان اسلام را تعریف نمود، معیار جمعیت است که نسبتاً ثبات بیشتری داشته، محاسبه‌پذیر و عملی است. البته در میان پیروان ادیان و شاخه‌های مذهبی - قومی آنها در یک کشور، باید جمعیت اکثر مسلمان را در پهنه تاریخی - جغرافیایی در نظر گرفت و نه صرف اکثر جمعیت را (اکثریت نسبی با نظر به توزیع قومی - مذهبی)؛ زیرا در بحث تاریخی - جغرافیایی به ویژه با نظر به نقش استعمار

در جابه‌جایی‌ها و تجزیه‌ها، سابقه جمعیتی را باید در نظر گرفت. برای مثال، ممکن است در نمونه‌ای مانند بوسنی و هرزگوین، مسلمانان در مقابل کل غیرمسلمانان در اقلیت باشند؛ اما جمعیت مسلمانان در برابر هر گروه قومی - مذهبی از غیر آنان در اکثریت باشد. در بوسنی و هرزگوین مجموع جمعیت مسیحی دو گروه قومی مذهبی کاتولیک‌های «کروات» و ارتدوکس‌های «صرب»، بیشتر از مسلمانان است.<sup>(۴۵)</sup> ولی جمعیت مسلمانان نسبت به هر یک از گروه قومی - مذهبی «کروات» و «صرب» بیشتر است. این کشور، بخصوص با نظر به سابقه جابه‌جایی‌ها در منطقه بالکان،<sup>(۴۶)</sup> به دلیل آنکه اکثر جمعیت آن مسلمان نیست، خارج از تعریف مختار از جهان اسلام قرار نگرفت.

اکنون حدود شصت کشور مستقل که بیش از پنجاه درصد جمعیت آنها مسلمانند و نیز اقلیت‌های مسلمان در سایر کشورها، جهان اسلام را تشکیل می‌دهند که به لحاظ جغرافیایی در پهنه جهانی انتشار یافته‌اند. اقلیت‌های مسلمان مهاجر و بومی هم به لحاظ جمعیتی جزء جهان اسلام به شمار می‌روند، اما هیچ‌یک از معیارهای یادشده نمی‌تواند شامل آنان گردد. البته جمع کثیری از اقلیت‌های بومی مسلمان که در کشور پرجمعیت هند هستند و نیز اقلیت‌های مسلمان ساکن در قفقاز شمالی، شامل ساکنان جنوب اوکراین (قبلاً تاتارهای کریمه)، جمهوری داغستان، چچن و اینگوش،<sup>(۴۷)</sup> در اثر تجزیه جهان اسلام، اکنون تحت حاکمیت غیرمسلمانان قرار گرفته، به صورت اقلیت درآمده‌اند و باید در تعریف گنجانده شوند؛ زیرا این دو گروه با اقلیت‌های مهاجر و آنانی که به سبب ویژگی پویایی، جهان‌شمولی و تبلیغ، در سایر مناطق جهان به اسلام مشرف می‌شوند، تفاوت اساسی دارند و آن اینکه در اثر تحولات ناشی از تجزیه جهان

هویت خود را از دست داده‌اند، هرچند جمعیت خود را هنوز دارند، از این تعریف خارج‌اند. گرچه این تعریف شامل کشورهایی که در آینده در اثر مهاجرت مسلمانان و یا گرویدن اتباع آنها به اسلام و کاهش جمعیت اتباع غیرمسلمان، به قلمرو جهان اسلام درمی‌آیند، نمی‌شود؛ اما از آن پویایی برخوردار است که اگر آنان هم زمانی خود را از سلطه غیر رها کنند و پایبندی به ارزش‌های نمادین اسلام به عنوان یک کل پیوسته و منسجم با ابعاد گوناگون آن را از خود نشان دهند، در آینده با پیوستن آنان، قلمرو جهان اسلام گسترش یابد. مطابق این تعریف، همواره ممکن است اقلیت‌ها یا افراد و گروه‌هایی مهاجر یا غیرمهاجر، بسته به حفظ پایبندی خود به ارزش‌های نمادین اسلام و تلاش در جهت ترویج آن ارزش‌ها، هویت خود بازسازی کنند و در حد توان، پیوسته به قلمرو جهان اسلام اضافه و یا از آن خارج شوند.

### نتیجه‌گیری

جهان اسلام با آنکه در یک نظر ابتدایی با مسامحه بر گستره وسیعی، شامل تمامی کشورهای اسلامی صدق می‌کند، اما از نظر وجود اقلیت‌های رو به تزاید مسلمانان در سایر کشورها و همچنین مواردی همچون جهان‌شمولی اسلام، پویایی آن، رشد و شکوفایی اسلام‌گرایی سیاسی و نیز ویژگی تبلیغ در آن، که می‌تواند بر گستره و دامنه جهان اسلام روز به روز افزوده شود، باید تعریفی فرهنگی قابل تطبیق و تعمیم بر تمامی افراد و اجتماعات از آن ارائه داد که شامل تک‌تک مسلمانان در هر حیطة جغرافیایی و ملی گردد.

اسلام، اکنون تحت حاکمیت غیرمسلمانان قرار گرفته و مانند اقلیت‌های مهاجر و گروندگان به اسلام، تنها اکنون در قلمرو فرهنگی جهان اسلام قرار ندارند، بلکه نظر به پیشینه تاریخی، در گذشته در قلمرو جهان اسلام بودند.

از این رو، با توجه به اینکه قلمرو جهان اسلام دارای دو بعد تاریخی و جغرافیایی است و اقلیت‌ها هم باید شامل تعریف باشند، همچنین نظر به ارتباط وثیق واقعه الغای خلافت که از نظر پذیرش همگانی مدرنیسم در تاریخ معاصر، بر تمام مسلمانان تأثیر نهاد و در پی آن، واکنش‌هایی از سوی تمامی مسلمانان برای احیای فکر دینی و حاکمیت سیاسی اسلام پدید آمد، با الهام از اسلام سیاسی و رویکردی فرهنگی، «جهان اسلام» را این‌گونه معرفی می‌نماییم: همه اجتماعات و افراد مسلمانی که در گذر چالش‌های هویتی ناشی از سلطه غیر در تاریخ معاصر، بعضاً اکثریت جمعیتی خود را از دست دادند؛ ولی نسبت به ارزش‌های نمادین اسلام به عنوان یک کل پیوسته و منسجم با ابعاد گوناگون، پایبندی خود را حفظ و در جهت ترویج آن و بازسازی هویت خود، در حد توان تلاش کنند، شامل جهان اسلام است.

### شاخص‌های تعریف مختار

این تعریف علاوه بر حفظ پویایی نسبت به شرایط متغیر سیاسی - اجتماعی حاضر و تقابل فرهنگی اسلام و غیر، از آفات تعریف به معیار در دست داشتن قدرت سیاسی و یا جمعیت اکثر هم‌مصون است؛ زیرا هر فرد یا گروهی که پایبندی خود را به ارزش‌های نمادین اسلام به عنوان یک کل پیوسته و منسجم با ابعاد گوناگون، حفظ و در جهت ترویج آن و بازسازی هویت خود، در حد توان تلاش کرده، شامل این تعریف است؛ ولی کسانی که در گذر چالش‌های هویتی ناشی از سلطه غیر در تاریخ معاصر،

- ۲۱- برنارد لوئیس، نخستین مسلمانان در اروپا، ترجمه م. قاند، ص ۸۲ به بعد؛ حمید بهزادی، «روابط بین‌المللی اسلام در دوره امپراتوری عثمانی»، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۱۲، ص ۱۱۶ و ۱۱۷.
- ۲۲- عبدالحکیم سلیمی، همان.
- ۲۳- ر.ک: جمعی از نویسندگان، همان، ص ۲۳۳ به بعد.
- ۲۴- حجت‌الله ایزدی، «ظهور و سقوط حکومت مسلمانان در اندلس»، مصباح، ش ۱۷، ص ۶۹ و ۷۵-۷۴.
- ۲۵- همان، ص ۷۴-۷۵.
- ۲۶- همچین ر.ک: محمدابراهیم آیتی، اندلس یا تاریخ حکومت مسلمین در اروپا، ص ۱۸۸ به بعد.
- ۲۷- احمد کمال‌الدین حلمی، دولت سلجوقیان، ترجمه عبدالله ناصری طاهری و دیگران، ص ۱۱۵-۱۳۳.
- ۲۸- همان، ص ۱۳۰-۱۴۱.
- ۲۹- شیرین بیانی، مغولان و حکومت ایلخانی در ایران، ص ۶۰-۶۴.
- ۳۰- اندونزی، گردآوری و تنظیم محمد مظفری، ص ۱۱۰-۱۱۱.
- ۳۱- احمد موثقی، جنبش‌های اسلامی معاصر، ص ۷۲-۸۴.
- ۳۲- علی محمد نقوی، جامعه‌شناسی غرب‌گرایی، ج ۱، ص ۹۴-۹۷؛ ج ۲، ص ۹۳.
- ۳۳- علی‌اصغر رجاء، تأثیر تجزیه جهان اسلام بر پایداری بحران‌ها، رواق اندیشه، ش ۴۸، ص ۴۸.
- ۳۴- غلامرضا گلی‌زواره، سرزمین اسلام شناخت اجمالی کشورها و نواحی مسلمان‌نشین جهان، ص ۶۱.
- ۳۵- همان، ص ۶۲.
- ۳۶- همان، ص ۶۹.
- ۳۷- همان.
- ۳۸- همان.
- ۳۹- همان، ص ۷۰.
- ۴۰- همان.
- ۴۱- حمید احمدی، «آینده جنبش‌های اسلامی در خاورمیانه: طرح یک چارچوب نظری»، مطالعات خاورمیانه، سال پنجم، ش ۳ و ۲، ص ۵۵؛ بابی سعید، هراس بنیادین: اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی، ترجمه غلامرضا جمشیدیها و موسی عنبری، ص ۲۱.
- ۴۲- بابی سعید، همان، ص ۶۴.
- ۴۳- ر.ک: محمد رصافی (گردآورنده)، مقالات اسلامی، گلچینی از مقالات یکصد سال مطبوعات اسلامی، ج ۲، ص ۵۴۱ و ۸۱۱-۸۱۶.
- ۴۴- مرتضی اسعدی، جهان اسلام: اردن، افغانستان، الجزایر، امارات متحده عربی، اندونزی، بحرین، برونی، مدخل، ج ۱، ص ۱.
- ۴۵- گیتا‌شناسی نوین کشورها، گردآوری و ترجمه عباس جعفری، ص ۱۷۶.
- پی‌نوشت‌ها**
- ۱- مرتضی اسعدی، جهان اسلام: اردن، افغانستان، الجزایر، امارات متحده عربی، اندونزی، بحرین، برونی، مدخل، ج ۱، صفحه اول؛ مجموعه مقالات سمینار بین‌المللی مسائل جغرافیایی جهان اسلام، به کوشش محمدباقر چوخانی مقدم، ص ۹۰.
- ۲- غلامرضا گلی‌زواره، سرزمین اسلام شناخت اجمالی کشورها و نواحی مسلمان‌نشین جهان، ص ۶۱؛ محمدحسین مظفری، کشورهای اسلامی و حقوق بشر، ص ۲۰؛ مجموعه مقالات سمینار بین‌المللی مسائل جغرافیایی جهان اسلام، ص ۳۹ و ۹۰.
- ۳- دانشنامه جهان اسلام، زیرنظر غلامعلی حدّاد عادل، ج ۱۱، ص ۴۵۱.
- ۴- رضا مستوفی‌الممالکی، جغرافیای کشورهای اسلامی، ص ۱۵.
- ۵- ر.ک: جمعی از نویسندگان، اسلام پژوهشی تاریخی و فرهنگی، زیرنظر کاظم موسوی بجنوردی، ص ۷۵-۲۸۲.
- ۶- عبدالهادی حائری، نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، ص ۵۴-۵۶.
- ۷- محمدیاربن عرب قطغان، مسخر البلاد «تاریخ شیبانیان»، تصحیح نادره جلالی، ص ۱۸ و ۳۲.
- ۸- کوکی کیم (گردآورنده)، تاریخ جنوب شرقی، جنوب و شرق آسیا مقاله و اسناد، ترجمه علی درویش، ص ۳۷۷-۳۷۸؛ مرتضی اسعدی، جهان اسلام: بنگلادش، پاکستان، ترکیه، ج دوم، ص ۱۴۳.
- ۹- ریاض‌الاسلام، تاریخ روابط ایران و هند (در دوره صفویه و افشاریه)، ترجمه باقر آرام و عباسقلی غفاری‌فرد، ص ۱۶۷ و ۱۷۱.
- ۱۰- همان، ص ۱۳۹، ۱۴۴، ۱۶۱ و ۲۰۴.
- ۱۱- محمدعلی بهمنی قاجار، ایران و افغانستان از یگانگی تا تعیین مرزهای سیاسی، ص ۴۹-۵۶ و ۵۸.
- ۱۲- سعید نفیسی، تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، ج ۱، ص ۴۴-۵۲.
- ۱۳- حبیب‌الله ولی‌اللهی، آلبانی، ص ۸۱.
- ۱۴- مسلمانان در کشور بوسنی و هرزگوین در اکثریت هستند و ۴۲ درصد جمعیت این کشور را به خود اختصاص می‌دهند، با این حال در تعریف مختار از جهان اسلام می‌گنجد.
- ۱۵- بهناز اسدی یکتا، جمهوری آذربایجان، ص ۱۰۳.
- ۱۶- محمد مهدی آخوندزاده، تجزیه شبه‌قاره هند و استقلال بنگلادش، ص ۴۵-۵۳.
- ۱۷- عبدالحکیم سلیمی، «روابط بین‌الملل در اسلام: بررسی تاریخی»، معرفت، ش ۷۰، ص ۷۸-۷۰، با تصرف و تلخیص.
- ۱۸- برای اقداماتی که منجر به انحلال خلافت شد، ر.ک: توین بی، جی، مطالعه در امور بین‌المللی سال ۱۹۲۵، ج ۱.
- ۱۹- ر.ک: احمد موثقی، جنبش‌های اسلامی معاصر.
- ۲۰- عباسعلی عمیدزنجانی، فقه سیاسی، ج ۳، ص ۱۴۲.

ترجمه غلامرضا جمشیدیها و موسی عنبری، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.

- سلیمی، عبدالحکیم، «روابط بین‌الملل در اسلام؛ بررسی تاریخی»، معرفت، ش ۷۰، مهر ۱۳۸۲، ص ۸۱-۶۹.

- عرب قطغان، محمدیارین، مسخر البلاد «تاریخ شیبانیان»، تصحیح نادره جلالی، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۵.  
- عمیدزنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، چ دوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳.

- کمال‌الدین حلمی، احمد، دولت سلجوقیان، ترجمه عبدالله نصری طاهری و دیگران، قم، حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳.

- کوکی کیم (گردآوری)، تاریخ جنوب شرقی، جنوب و شرق آسیا مقاله و اسناد، ترجمه علی درویش، مشهد، معاونت فرهنگی آستان قدس، ۱۳۷۲.

- گلی‌زواره، غلامرضا، سرزمین اسلام شناخت اجمالی کشورها و نواحی مسلمان‌نشین جهان، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲.

- گیتاشناسی نوین کشورها، گردآوری و ترجمه عباس جعفری، چ دوم، تهران، مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیت‌شناسی، ۱۳۸۴.  
- لوتیس، برنارد، نخستین مسلمانان در اروپا، ترجمه م. قاند، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۴.

- مجموعه مقالات سمینار بین‌المللی مسائل جغرافیایی جهان اسلام، به کوشش محمدباقر چوخانی مقدم، تهران، دانشگاه امام حسین، ۱۳۷۷.

- مظفری، محمدحسین، کشورهای اسلامی و حقوق بشر، تهران، مرکزپژاوشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۸.

- مظفری، محمد (گردآوری و تنظیم)، اندونزی، چ دوم، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵.

- موثقی، احمد، جنبش‌های اسلامی معاصر، چ چهارم، تهران، سمت، ۱۳۸۰.

- نفیسی، سعید، تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، چ دوم، تهران، بنیاد، ۱۳۴۴.

- نقوی، علی‌محمد، جامعه‌شناسی غرب‌گرایی، چ دوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷.

- ولی‌اللهی، حبیب‌الله، آلبانی، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵.

۴۶- دانشنامه جهان اسلام، ج ۴، ص ۵۵۵-۵۵۶؛ جمعی از نویسندگان، همان، ج ۱۳، ص ۷، ۱۴ و ۳۱۳.  
۴۷- گیتاشناسی نوین کشورها، ص ۱۳۱.

#### منابع .....

- آخوندزاده، محمدمهدی، تجزیه شبه‌قاره هند و استقلال بنگلادش، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۵.

- آیتی، محمدابراهیم، آندلس یا تاریخ حکومت مسلمین در اروپا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.

- احمدی، حمید، «آینده جنبش‌های اسلامی در خاورمیانه: طرح یک چارچوب نظری»، مطالعات خاورمیانه، سال پنجم، ش ۳ و ۲، تابستان و پاییز ۱۳۷۷، ص ۹۴-۵۵.

- اسدی‌یکتا، بهناز، جمهوری آذربایجان، چ دوم، تهران، وزارت امورخارجه، ۱۳۷۵.

- اسعدی، مرتضی، جهان اسلام: اردن، افغانستان، الجزایر، امارات متحده عربی، اندونزی، بحرین، برونی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۶.

- جهان اسلام: پاکستان، ترکیه، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹.

- ایزدی، حجت‌الله، ظهور و سقوط حکومت مسلمانان در اندلس، مصباح، ش ۱۷، بهار ۱۳۷۵، ص ۷۸-۵۹.

- بهزادی، حمید؛ «روابط بین‌المللی اسلام در دوره امپراتوری عثمانی»، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ش ۱۴، زمستان ۱۳۵۲، ص ۱۱۲-۱۲۲.

- بهمنی قاجار، محمدعلی، ایران و افغانستان از یگانگی تا تعیین مرزهای سیاسی، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۵.

- بیانی، شیرین، مغولان و حکومت ایلخانی در ایران، تهران، سمت، ۱۳۷۶.

- جمعی از نویسندگان، اسلام پژوهشی تاریخی و فرهنگی، زیرنظر کاظم موسوی بجنوردی، چ دوم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲.

- دانشنامه جهان اسلام، زیرنظر غلامعلی حدّاد عادل، تهران، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، ۱۳۸۶.

- رجاء، علی‌اصغر، «تأثیر تجزیه جهان اسلام بر پایداری بحران‌ها»، رواق اندیشه، ش ۴۹، آذر ۱۳۸۴، ص ۴۷-۲۸.

- سعید، بابی، هراس بنیادین: اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی،



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی